

جهان تاریخی، وسعت و روابط حاکم بر آن از منظر قرآن کریم (با تأکید بر رویکرد کلام تاریخی)

محمدحسین دانش کیا*

چکیده

شناخت بستر وقوع حوادث و رویدادهای تاریخی و محدوده و وسعت آن، که جهان تاریخی را سامان می‌دهد در مطالعات تاریخی و زندگی بشری از اهمیت بسزایی برخوردار است، توجه به دامنه تأثیر رفتارهای تاریخی انسان در عوالم مختلف علاوه بر اثر تربیتی بر فرد و جامعه، به نوبه خود در ساخت فرهنگ و تمدن الهی مؤثر است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در بررسی گزاره‌های تاریخی، تفسیری و با رویکرد کلام تاریخی بر آن است تا وسعت جهان تاریخی و روابط حاکم بر آن را از منظر قرآن مشخص نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که جهان تاریخی قرآن علاوه بر عالم مادی که بستر اعمال و رخدادهای انسانی است، عالم غیب را نیز در برمی‌گیرد، عالم غیبی که دارای اضلاعی همچون عالم آخرت، عالم ملکوت و عالم امر است را. بنابراین هر رخدادی در عالم مادی، بازتابی در عالم غیب دارد و بالعکس هر رخداد مربوط به انسان در عالم غیب، در عالم مادی تأثیر می‌گذارد.

واژگان کلیدی

جهان تاریخی، قرآن، روابط رخدادها، عالم غیب، عالم مادی، کلام تاریخی.

طرح مسئله

انسان در بستر تاریخی رخدادی را سبب می‌شود، قراردادی را با انسان دیگر در امور یک ملت منعقد می‌کند، در جنگ با نقشه‌ای پیروزی یا شکستی را رقم می‌زند، فرهنگ نویی را پایه‌گذاری می‌کند که آینده ملتی را متحول می‌سازد، سبک معماری را ابداع می‌کند که قرن‌ها ماندگاری دارد و نشان از پیشرفت تمدنی در دوره‌ای از تاریخ است و ... گاهی این اعمال تأثیرات و تأثراتی را در عالم مادی می‌گذارد که تا قرن‌ها ادامه و استمرار دارد، اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که دامنه و وسعت این تأثیرات و پیامدهای افعال بشری تا کجاست؟ آیا اعمال بشری که در بستر تاریخی در عالم مادی رخ می‌دهد فقط در همین عالم تأثیر می‌گذارد؟ و تأثیر و تأثری فراتر از آن ندارد؟ آیا نوع تأثیر آن صرفاً تأثیری مادی است یا افعال بشری قادر به ایجاد تأثیراتی فرامادی اما نه فراتاریخی در عالم می‌باشند؟

واقعیت این است که فهم و سنجش تأثیر و تأثرات افعال بشری اعم از تاریخی و غیر آن تابعی از نگرش انسان به هستی است. انسانی که جهان را منحصر در جهان مادی می‌داند قاعده‌تأثیر و تأثرات افعال بشری در نظر گاه او فراتر از عالم مادی نیست اما اگر جهان را فراتر از جهان مادی و عوامل محرک تاریخ را نیز فراتر از عوامل مادی بداند دامنه تأثیر و تأثرات افعال بشری را فراتر از جهان مادی خواهد دانست. به عبارتی جهان تاریخی او نسبت به جهان تاریخی انسان مادی، از وسعت بیشتری برخوردار خواهد بود. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی در بررسی گزارش‌های تاریخی و تفسیری در بررسی آیات تاریخی و با رویکرد کلام تاریخی و به‌طور اخص با رویکرد الهیاتی به تاریخ که قرآن سردمدار آن است، در پی پاسخ به این پرسش است که از منظر قرآن، جهان تاریخی چه وسعتی دارد؟ افعال بشری - در این نوشتار افعال وی در بستر تاریخی - یا مرتبط با او تا کجا می‌تواند تأثیر بگذارد؟ آیا محدود به همین دنیای مادی است یا فراتر از آن؟ در صورت دوم روابط میان این عوالم متعدد که بر تاریخ بشری اثرگذار است چگونه است؟

اما آنچه باعث شد جهان تاریخی از منظر قرآن مورد توجه این نوشتار قرار گیرد، تفاوت‌هایی است که تاریخ‌نگاری قرآن با دیگر تاریخ‌نگاری‌ها دارد. در جای خود دیده شد، تأثیر تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری قرآنی در فهم دقیق‌تر تاریخ و فهم عمیق‌تر تأثیر افعال بشری در بستر تاریخ بیش از دیگر مکاتب است. قطعاً تفاوت بسیاری است بین اینکه انسان فقط در یک دنیای مادی که فقط با چشم دیده می‌شود، عمل می‌کند و انعکاس اعمال او فقط محدود به جهان مادی است، با این باور ارائه شده از سوی قرآن، که علاوه بر این عالم، عوالم دیگری وجود دارد که عمل وی در آنها تأثیر می‌گذارد. عمل انسانی بر عالم دیگر گاهی چنان اثری می‌گذارد که انعکاس آن و بازگشت آن وی را در همین دنیا مورد تأثیر قرار می‌دهد.

پیشینه‌شناسی تحقیق

نوشتاری که به این موضوع به صورت مستقل پرداخته باشد مشاهده نشد، هرچند در آثار برخی مانند دیلتای مورخ و فیلسوف آلمانی اصطلاح جهان تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. وی در دو کتاب *تشکل جهان تاریخی در علوم انسانی و دانش هرمونیک و تاریخ* بخشی به این موضوع اختصاص داده است. (دیلتای، ۱۳۹۱: ۵۷۱ - ۴۸۱) وی جهان تاریخی را جهانی می‌داند که از طریق افعال انسان، در کنار جهان طبیعت شکل می‌گیرد. از نظر وی، عناصر مقوم جهان تاریخی یا مواد تشکیل دهنده تاریخ، مجموعه افعال انسان‌هاست که تعبیر دیگر آن فرهنگ است. پس تعبیراتی چون فرهنگ یا جهان تاریخی در مقابل طبیعت قرار دارد و معیار تمایز این دو جهان از یکدیگر اراده انسان است. به این ترتیب که هر رویدادی که قائم به اراده انسان باشد و در واقع مشروط به آن باشد (رفتارهای دینی، هنری، علمی، سیاسی و اقتصادی) جزئی از جهان تاریخی یا فرهنگی است و هر رویدادی که مستقل از اراده انسان باشد (کل حوادث طبیعی) جزئی از جهان طبیعی است (همو، ۱۳۸۹: مقدمه مترجم: ۱۲) وی در کتاب دیگرش به تاریخ تطور نگاه مورخان به جهان تاریخی پرداخته است در آن کتاب نیز گزارشی از نگاه تک بعدی مادی (یونانی و رومی) یا ماورایی (دوران مسیحیت) و بازگشت به دوران نخستین به تفصیل سخن می‌گوید.

البته بررسی نسبت کاربرد اصطلاح جهان تاریخی از منظر دیلتای با جهان تاریخی در قرآن از اهداف این مقاله نیست. چه‌بسا کسی معتقد شود، اصطلاح جهان تاریخی از این دو منظر، نسبتی با یکدیگر ندارند و صرفاً تشابه لفظی میان آنها

برقرار است، خصوصاً اگر جهان تاریخی دیلتای، منحصر در فرهنگ باشد. در این صورت بحث‌های دیلتای پیشینه‌ای برای این بحث نخواهد بود. اما بر فرض تداخل معنایی جهان تاریخی دیلتای با این نوشتار، او عناصر مقوم جهان تاریخی را مجموعه افعال انسان می‌داند اما پیش فرض این نوشتار باور داشت خداوند و عوامل دیگر به‌عنوان کنشگران تاریخ است. و همین در وسعت جهان تاریخی تأثیرگذار است.

پیش‌فرض‌های تحقیق

از عوامل مؤثر در تعیین محدوده جهان تاریخی، پیش‌فرض‌های مورخ درباره نقش عوامل محرک در تاریخ است. پیش‌فرض این نوشتار این است که خدا و انسان هر یک در تاریخ نقش دارند، این پیش‌فرض می‌تواند دو جهان تاریخی را رقم زند. البته عوامل دیگری هم می‌توانند نقش آفرین باشند: انسان‌ها اعم از توده (ناس) «وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (نمل / ۴۸)؛ قهرمانان (انبیا) «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (ممتحنه / ۴)؛ گمنامان، «وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ...» (قصص / ۱۵)؛ فرشتگان، «إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ...» (انفال / ۱۱)؛ معنوی، «إِذْ كَسَبَ شِئُونٌ رِبِّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ» (انفال / ۹) و حتی شیطان که در غزوه بدر از تلقینات او سخن گفته شده است، «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ...» (انفال / ۴۸)

در دوره‌ای، انسان غربی در پی تحلیل جهان و به تبع جهان تاریخی گمان کرد با حذف خداوند و نقش او می‌تواند به تحلیل دقیق حوادث تاریخی و جهان تاریخی بپردازد، غافل از اینکه آنچه وی را از تحلیل درست جهان بازداشته بود، نه توجه به خداوند، بلکه عدم توجه به نقش انسان در تاریخ از یک سو و عدم فهم دقیق نقش خدا در تاریخ و به تبع جهان تاریخی از سوی دیگر بود. او همواره جهان را با یک چشم می‌بیند گاهی با چشم تمام مادی و گاهی با چشم تمام فرامادی در صورتی که جهان دو رویه دارد، مادی و غیرمادی و ماورایی. نادیده گرفتن هر یک، ندیدن بخشی از جهان و جهان تاریخی است. عدم فهم صحیح نقش‌های انسان و خدا که ناشی از فهم مسیحیت تحریف شده از جهان و اثر آن بر زندگی در اروپا بود، چنین برداشتی را برای انسان غربی پدید آورد، فهمی که بستر تاریخی حوادث را صرفاً فعل خدا و انسان را بازیگر نمایش از پیش نوشته شده تلقی می‌کرد، اما او در ادامه چاره کار را حذف خدا دید و حتی دست کشیدن از تأثیر خداوند بر تاریخ را نوعی رها شدن از گذشته و پیشرفت و حتی علمی شدن تاریخ انگاشت. (دیلتای، ۱۳۹۱: ۴۸۹)^۱ در صورتی که در گذشته نه چندان دور، ماورای ماده (خدا) را نیز دخیل در تاریخ می‌دانست.

پیش‌فرض دیگر این پژوهش، وجود خدایی حکیم، عزیز و مدبر است، خدایی توانا، قادر، که جهان را براساس حکمت آفریده و براساس نظام اسباب و مسببات نظم داده و تدبیر کرده و می‌کند. از این رو کشف اسرار خلقت، علم و توانایی او را بیشتر معلوم می‌کند برخلاف برخی دیدگاه‌ها در غرب که کشف مجهولات، عرصه را بر خدای آنان تنگ کرد تا جاییکه ادعا کردند چون مجهولات کشف شد خدایی را نیاز ندارند. (کنفورت، بی‌تا: ۲۶) در این پژوهش، خدا پاسخ پرسش‌های بی‌پاسخ انسان نیست که وقتی علت مادی رویدادها را کشف کرد بی‌نیاز از خدا باشد بلکه خدای معلومات است؛ خدایی که ابا دارد از جاری نمودن مسببات بدون سبب، از این رو با کشف اسباب مادی، عظمت خداوند بیشتر درک می‌شود نه اینکه از صفحه زندگی محو شود. خدا در این تفکر مانع جستجو از علت‌های مادی و غیر مادی نیست که مشوق آن است، او خود علت العلل است. پیش‌فرض بعدی در مورد اختیار انسان است. نظریه پذیرفته شده، همان نظریه امر بین امرین با قرائت قرآنی از اختیار انسان و خدا است.

گفته نشود چرا در ارجاعات، کمتر به منابع تاریخی ارجاع شده است؛ زیرا در جای خود ثابت شده قرآن خود نه‌تنها منبعی تاریخی است بلکه، برای مسلمانان در تمامی حوزه‌های تاریخی و برای حتی غیر مسلمانان در حوزه تاریخ اسلام از اعتبار کافی برخوردار است. (دانش‌کایا، ۱۳۹۶: ۱۱۸) از این رو ارجاع به آیات تاریخی قرآن ارجاع به یک منبع تاریخی

۱. وی می‌گوید: «دیدگاه پولیبوس ... گستره تاریخ را وجب کرده بود ... با این حال این، شبکه علمی تلقی نمی‌شد بلکه به طریق دینی و مابعد طبیعی تصور می‌شد».

معتبر است. هرچند تنوع منابع می‌تواند نوشته را پر بارتر کند اما صرف نظر از اینکه عنوان مقاله جهان تاریخی از منظر قرآن و نه منابع تاریخی است، موضوع مورد بحث نیز کمتر در منابع متعدد مورد اشاره قرار گرفته است و این از دشواری‌های بحث است که بررسی علل آن می‌تواند خود نوشتار مستقلی را طلب کند.

مفهوم‌شناسی

پیش از آغاز بحث مناسب است برخی اصطلاحات که در این نوشتار به کار گرفته شده روشن‌تر شوند:

الف) جهان تاریخی

جهان تاریخی از منظر قرآن جدای از موضوع تاریخ در قرآن نیست. اگر موضوع تاریخ منحصر در امور مادی باشد جهان خود را دارد و اگر موضوع، ماورا را شامل گردد، جهان متناسب با آن را دربر می‌گیرد. در جای خود موضوع تاریخ از منظر قرآن مورد بحث قرار گرفته است (دانش کیا، ۱۳۹۳: ۴۱۹) و ملاحظه شد دامنه موضوعات تاریخی در آیات تاریخی قرآن، فراتر از امور مادی و غیرمادی است. بنابراین جهان تاریخی نیز متناسب با آن اعم از مادی و فرامادی است.

علاوه بر این، از منظر قرآن انسان گرچه حادث است اما ابدی است. چنین انسانی اگر بخواهد تاریخ زندگی خود را بازگو کند، خاطراتش منحصر به دنیا نخواهد بود و آنچه برایش پس از مرگ اتفاق افتاده را بیان می‌کند؛ خصوصاً اینکه آنچه بعد از مرگ اتفاق افتاده تابعی از عملکرد او در دنیا است به عبارتی جهان تاریخی او وسعتی چینی دارد، بر خلاف تصور اولیه یک مادی‌گرا. کسی نگوید زندگی انسان بعد از مرگ، امری شخصی است و تاریخ به امور شخصی و خصوصی نمی‌پردازد؛ زیرا در مقابل پرسیده می‌شود آیا تاریخ، آن بخش از زندگی مصلحان یا دیکتاتورهای تاریخ را که در تنهایی سپری کرده‌اند را بازگو نمی‌کند؟ بله تفاوت کار در این است که زندگی پس از مرگ را نمی‌توان در اغلب موارد بازگو کرد اما این دلیل کافی نیست تا اگر قرآن یا منبع دیگری به زندگی پس از مرگ بپردازد، تاریخ محسوب نشود؛ زیرا مورخان اغلب قادر به بیان حالات درونی کنشگران تاریخ هم نیستند اما از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری قرآنی بیان همین حالات درونی اشخاص است و بحث ما نیز جهان تاریخی از منظر قرآن است و قرآن قادر است گزارشی از وضعیت رفتارهای غیرمادی مرتبط با کنشگرانی که به بیان تاریخ آنان پرداخته است ارائه دهد، علاوه بر اینکه «مورخ موحد» هم می‌تواند با توجه به عموماً مربوط به پاداش و بازتاب اعمال دست به پیش‌بینی آینده آخرتی کنشگران بزند همانطور که به پیش‌بینی آینده بشر در دنیا اقدام می‌کند.

در ضمن، عنصر عبرت‌گیری در نقل تاریخ زندگی پس از مرگ نیز به خوبی یافت می‌شود که قرآن به آن اهتمام دارد. به‌طور مثال پرداختن قرآن به زندگی فرعونیان بعد از مرگ در خلال دیگر حوادث تاریخی و محاجه آنان با یکدیگر نمونه‌ای از آن است: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ * وَإِذْ يَتَحَاوَرُونَ فِي النَّارِ يَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ» (غافر / ۴۸ - ۴۶) و وضعیت شهید انطاکی بعد از شهادت و ورود به جهان آخرت: «يَمَا غَفَرِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرِمِينَ» (یس / ۲۷) یا بعد از ذکر وضعیت کفار پس از مرگ در میدان جنگ می‌فرماید: «ذَلِكَ يَمَا قَدَمَتِ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ» (انفال / ۵۱) و نظایر آنها ...

از سویی دیگر می‌توان چنین گفت: تصور ابتدایی از جهان تاریخی، همان بستر رخداد رویدادهای تاریخی است. قاعدتاً این بستر، وسعت و ضیق آن و روابط حاکم بر آن متأثر از پیش‌فرض‌های مورخان درباره چیستی رویداد تاریخی از یک سو و عوامل محرک تاریخ از سویی دیگر است. بدیهی است اگر عوامل محرک تاریخ، مادی باشند بستر تأثیر و تأثر آنان مادی و اگر غیرمادی باشند به بستری غیرمادی محتاجند.

حال با توجه به پیش‌فرض‌های این نوشتار و آنچه بیان شد، می‌توان جهان تاریخی را چنین توصیف کرد: جهانی که رویدادهای ناشی از اراده انسانی یا الهی در آن رخ می‌دهد و محل تأثیر و تأثر رفتارهای آنهاست.^۱ از این‌رو انتظار است جهان تاریخی از وسعتی در خور افعال بشری و الهی برخوردار باشد.

۱. برای توضیح بیشتر درباره نقش خدا و انسان در تاریخ ر.ک: دانش کیا، پاییز ۱۳۹۶: ۹۴ - ۶۵.

ب) عالم غیب و مشهود (ماده)

اندیشمندان مسلمان از عوالم متعددی سخن گفته‌اند. در این بخش فقط به اندازه ضرورت بحث و بدون ورود به اختلافات ایشان درباره تعدد، تعداد و کیفیت عوالم، با عنایت به دیدگاه قرآن، با تقسیم جهان به دو بخش، بحث آغاز می‌شود: عالم غیب و عالم شهادت. گفته شده است، موجود، دو قسم است: بعضی مشهودند، بعضی غایب‌اند. آنچه را که حس درک می‌کند و قابل احساس با یکی از حواس، جزء عالم شهادت است؛ بستر فعالیت ارادی انسان، بستری که پیچیده در مکان و زمان است. هر انسانی اعمال خود را در همین عالم سامان می‌دهد. در اینکه اعمال بشری در این عالم دارای تأثیراتی در همین عالم است تقریباً اختلافی نیست، هر چند شاید از سوی شکاکان مخالفتی وجود داشته باشد. متفکران مادی مسلک به دنبال کشف تأثیر و تأثرات اعمال انسان‌ها در همین عالم هستند. آنها گمان دارند تاریخ علمی یعنی کشف همین تأثیر و تأثرات افعال ارادی بشر، البته در محدوده تأثیر و تأثرات مادی. اما آنچه که غایب از حس است، با حس نمی‌توان آن را درک کرد. آنچه که نه با چشم دیده می‌شود، نه با گوش شنیده می‌شود و نه با سایر حواس احساس می‌شود، به آن «غیب» گفته شده است. خدا جزء غیب است، وحی و رسالت و نبوت جزء غیب است، فرشتگان جزء غیب‌اند، قیامت جزء غیب است و مانند آن، که به‌عنوان مصادیق غیب ذکر می‌شوند. (برگرفته از: جوادی آملی، بی‌تا: جلسه ۶)

جهان غیب از وسعت زیادی برخوردار است. در این نوشتار سه ضلع یا بُعد برای جهان غیب در نظر گرفته شده است. ابعادی که می‌تواند با بحث جهان تاریخی مرتبط باشند. البته از آن اضلاع به عالم نامبرده شده است؛ عالم امر، آخرت و توجه به این نکته ضروری است که اندیشمندان درباره عوالم مطالب مختلف و متفاوتی بیان کرده‌اند که در این بخش مقصود بررسی این دیدگاه‌ها نیست و نامگذاری صورت گرفته نیز فقط عناوین مشیر به حقیقت در پس نام‌هاست. از این رو ممکن است عالمی از منظر اندیشمندی عالم امر و از دیدگاه محقق نامی دیگر داشته باشد. آنچه در این نوشتار مهم است وجود چنین ابعادی در عالم غیب است نه اسامی آنها:

جهان آخرت: جهانی که بعد از اتمام زندگی مادی انسان آغاز می‌شود و براساس فعالیت‌های ارادی بشر در این جهان سامان می‌یابد. (اعم از جهان برزخی و جهان بعد از قیامت) قرآن در آیات متعددی از آن به یوم‌الآخر یاد کرده است: «وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ». (بقره / ۸) زندگی فرح‌بخش یا زندگی توأم با درد و رنج می‌تواند دو نهایت از آن جهان باشد. به عبارتی بُرد تأثیر اعمال انسانی در بستر تاریخ ختم به جهان مادی نیست و جهان آخرت او را سامان می‌دهد: «يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي». (فجر / ۲۴)

عالم ملکوت (فرشتگان و مجردات): در کنار جهان مادی که با چشم سر دیده می‌شود جهان دیگری در جریان است که با چشم سر، یا دیده نمی‌شود یا به چشم تیزبین نیاز دارد. در گزارش‌های تاریخی قرآن از فرشتگان و تأثیر آنها در رویدادهای تاریخی سخن گفته شده است. مانند غزوه تبوک: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ حُنُودًا لَهُمْ تَرَوُهَا وَعَدَبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلَّكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (توبه / ۲۶)؛ در ماجرای غار: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِحُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». (توبه / ۴۰) در احزاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ حُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا». (احزاب / ۹) برخی ملکوت را اعم از عالم فرشتگان می‌دانند. (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۸۲) ولی در این نوشتار این اصطلاح درباره عالم فرشتگان به کار گرفته شده است که بخشی از عالم غیب است و به جنس مادی برخی فرشتگان و کیفیت حضور آنان در عالم مادی پرداخته نخواهد شد.

جهان امر یا سنت‌ها: خداوند علاوه بر خلق عالم، اداره آن را عهده‌دار است، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْأَمْرُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (اعراف / ۵۴) او برای اداره جهان قوانین و سنت‌هایی را برقرار کرده است. جهان مادی تحت همین قوانین اداره می‌شوند. در نهاد هر ماده‌ای اثری و ویژگی‌ای نهاده شده است. از این رو، وقتی آن ویژگی محقق شود محمول سنت الهی اتفاق می‌افتد. آب در «صفر درجه» منجمد می‌شود، یعنی خداوند در نهاد آن چنین مقرر ساخته که در دمایی خاص منجمد شود و بالعکس در «صد درجه» به جوش آید. همین طور بر جوامع و تاریخ بشری و به عبارتی بر اعمال ارادی انسان‌ها در بستر تاریخی نیز قوانینی وضع شده است که انسان به محض انجام عملی در دنیا اعم از عملی تاریخی و غیر آن، سنتی از سنت‌های الهی را موجب می‌شود. قدرت قوی بر ضعیف پیروز می‌شود، انسان‌های پرتلاش از زندگی بهتر و انسان‌های تبیل از زندگی نامناسب

برخوردار می‌شوند و ... به این نوع تأثیرها جریان طبیعی زندگی بشر گفته می‌شود و اغلب از اینکه همین امر نیز از تدابیر الهی و تحت قوانین اوست غفلت می‌شود. گاهی نیز آتش نمی‌سوزاند مانند آنچه در تاریخ ابراهیم نبی علیه السلام مشاهده شد: «فَلَمَّا يَا نَارُ كُوفِيَ بِرَدَا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَةَ» (انبیاء / ۶۹)، لشکر قوی بر ضعیف پیروز نمی‌شود مانند روبروایی طالوت و جالوت: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ اَنْهُمْ مَلَافُوَ اللّٰهِ كَمَ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلًا عَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيْرَةٌ يٰۤاٰذِنُ اللّٰهِ وَاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ» (بقره / ۲۴۹)، در این موارد نیز عمل انسانی تحت سنتی از سنن الهی قرار می‌گیرد، اما به گونه‌ای دیگر تدبیر می‌شود. ضرورتاً برای اینکه نتیجه سوزاندن آتش تغییر کند یا پیروزی به شکست تبدیل شود باید اعمالی تحت نظام اسباب و مسببات رخ دهد و اینها نیازمند تدبیر است همانند دیگر سنت‌ها که در جهان غیب صورت می‌گیرد. در این نوشتار، برای برجسته کردن این نوع تدابیر که در جهان غیب مقرر می‌شود، از آن بخش از جهان غیب به «عالم امر» تعبیر می‌شود هرچند مستند به آیه اخیر، برخی عالم غیب را مساوی با عالم امر دانسته‌اند^۱ اما در این نوشتار اخص از آن دیده شده است و به بخشی از عالم غیب اطلاق شده است تا فعل و انفعالات درجهان غیب واضح‌تر توضیح داده شود.

جهان تاریخی از منظر قرآن

ابتدا برخی از گزارش‌هایی که قرآن از حوادث تاریخی ارائه می‌کند، مرور می‌گردد و سپس از منظر جهان تاریخی هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد:
در ماجرای غزوه بدر چنین گزارش شده است:

ابه‌خاطر آوردن هنگامی را که [در میدان بدر] از پروردگارتان یاری می‌خواستید؛ پس [درخواست] شما را پذیرفت [به] این که، من شما را با هزار [انفر] از فرشتگان پیاپی یاری می‌کنم! و خدا آن [وعدۀ] امداد غیبی [را جز مژده‌ای [برای شما] و برای آرامش قلب‌های شما بدان قرار نداده است؛ و پیروزی جز از نزد خدا نیست؛ [چرا] که خدا شکست ناپذیری فرزانه است. [به یاد آوردن] هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرام بخشی را که از جانب او بود بر شما پوشانید [و مسلط ساخت] و آبی را از آسمان برایتان فرو فرستاد تا شما را بدان پاک سازد و [پلیدی] اضطراب‌آور شیطان را از شما بزدايد؛ و تا دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌ها را با آن استوار دارد. [به یاد آوردن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «که من با شمایم؛ پس کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت [قدم] دارید. به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند وحشت می‌افکنم؛ و فراز گردن‌ها را بزیند؛ و همه‌ی انگشتان [و دست و پای] آنان را قطع کنید!» این [کیفرها] بدان سبب است که آنان با خدا و فرستاده‌اش مخالفت ورزیدند؛ و هر کس با خدا و فرستاده‌اش مخالفت کند، پس حتماً خدا سخت کیفر است. این [مجازات دنیاست]؛ پس آن را بچشید! و در حقیقت برای کافران، عذاب آتش [نیز] هست.^۲

در این گزارش قرآنی نکات ذیل قابل توجه است:

مؤمنان در عالم مادی از خداوند درخواست کمک کردند.

با عنایت به فراهم بودن شرایط، تحت نظام سنت‌های حاکم بر جوامع و روابط انسان‌ها با خدا، خداوند این درخواست را اجابت کرد و اقدام به اعزام فرشتگان فرامادی به جهان مادی نمود.

۱. برای تفاوت‌های خلق (آفریدن خدا) و امر (فرمان دادن او): طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۱۵۳ - ۱۵۰، برخی در تفسیر عبارت «اللَّهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» نوشته‌اند: منظور از خلق، عالم اجسام و منظور از امر، عالم ارواح است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۰۵) و برخی دیگر می‌گویند که دو عالم وجود دارد: عالم خلق یا جهان مادیات و عالم امر یا جهان ارواح و عقول و مجردات. (امین، ۱۳۶۱: ۵ / ۲۲۳)، ملاحظه می‌شود در این تعریف عالم امر مساوی عالم غیب و نه ضلعی از اضلاع آن در نظر گرفته شده است.

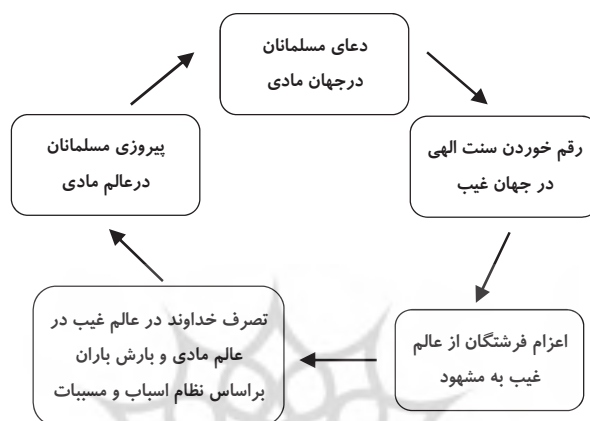
۲. اِذْ تَسْتَعِيْبُوْنَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ اَنْیُّ مُبْدِكُمْ بِالْاٰیِّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِيْنَ * وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اِلَّا بَشَرًا وَلَيَظْمَرَنَّ بِهٖ قُلُوْبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ * اِذْ يَغِيْثُكُمْ التُّعَاسُ اٰمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَیْكُمْ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً لِّيَطَّوْرَكُمْ بِهٖ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰنِ وَلِيَبْرِطَ عَلٰی قُلُوْبِكُمْ وَيُبَيِّنَ بِهٖ الْاٰقْلَامَ * اِذْ يُوحِي رَبُّكَ اِلَى الْمَلَائِكَةِ اَنْیُّ مَعَكُمْ فَتَيَّبُوْا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا سَآئِلِيْ فِيْ قُلُوْبِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَالرُّعْبَ فَاضْرِبُوْا فَوْقَ الْاَعْنَآقِ وَاضْرِبُوْا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ * ذٰلِكَ بِاَنْهُمْ شَاقُوْا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ وَمَنْ يُّشَاقِقِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ * ذٰلِكُمْ فَعُوْهُ وَاَنْ لِّلْكَافِرِيْنَ عَذَابُ النَّارِ (انفال (۸): ۱۴ - ۹)

در مرحله‌ای دیگر خداوند در جهان مادی تصرف کرده و تحت نظام اسباب و مسببات باران را به مدد مسلمانان فرستاد. فرشتگان به نفع جبهه مؤمنان وارد عمل شدند، یا از طریق ایجاد رعب یا ورود عملیاتی به جنگ و اقدام مادی آنان در حمله به کفار. (در باره نقش فرشتگان در بدر دو نظریه وجود دارد)^۱

سنت‌های دیگری هم می‌تواند در این رویدادها مؤثر باشد مانند: نتیجه دشمنی کفار با خدا و رسول او؛ به عبارتی قانونی (سنت) وجود دارد که هر کسی دشمنی با خدا و رسول داشته باشد جزایش چنین خواهد بود. «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». (انفال / ۱۳)

وعید به عذابی برای کفار در جهان دیگر (جهان آخرت) ناشی از فعالیت آنان در جهان مادی «ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ» (انفال / ۱۴) در گزارش قرآنی ملاحظه می‌شود.

به عبارتی رفتار مسلمانان و کفار در جهان مادی، پیامدها و آثاری را در جهان مادی و جهان غیب موجب شده است. البته در نمونه اخیر تأثیر عمل انسان‌ها در جهان غیب موجب انعکاسی دیگر از آن در جهان مادی شده است. نمودار ذیل نشان دهنده این تأثیرات در حادثه غزوه بدر به روایت قرآن کریم می‌باشد.



قرآن در بیان تاریخ انبیای گذشته از اعزام ابتدایی دو تن از رسولان و پشتیبانی آنان به نفر سوم و مواجهه مردم با آنان سخن گفته است و اضافه شده است که مردی از نقطه دور شهر به جمع آنها پیوست و از سخن رسولان طرف‌داری کرد:

و برای آن [مشرک‌ها مثلی بزن: اهل آبادی [انطاکیه] را هنگامی که فرستادگان [الهی] بدان [آبادی] آمدند؛ [همان] هنگامی که دو [فرستاده] را به‌سوی آنان فرستادیم، و [الی] آن دو را تکذیب کردند، و با [فرستاده] سوّمی [آن دو را] تقویت کردیم و گفتند: «مسلماناً، ما فقط به‌سوی شما فرستاده شده‌ایم.» (یس / ۱۴ - ۱۳)

و مردی با کوشش از دورترین [نقطه] شهر آمد، گفت: «ای قوم [من]! از فرستادگان [خدا] پیروی کنید.» (یس / ۲۰)

در حقیقت، من به پروردگار شما ایمان آورده‌ام، پس سخنان [مرا] گوش دهید.» [پس از شهادت به او] گفته شد: «وارد بهشت شو.» گفت: «ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگار مرا آمرزید و مرا از گرمی داشته شدگان قرار داد.» (یس / ۲۷ - ۲۵)

با طرف‌داری آن مرد گمنام از گروه رسولان، مردم او را به شهادت رساندند، قرآن گزارش می‌دهد او به‌خاطر دفاع ارادی

۱. علامه طباطبایی هرچند این نظریه را که فرشتگان عملاً وارد کارزار نشده‌اند، تأیید فرموده (۱۴۱۷: ۲۱ / ۹)، اندکی بعد متبادر ذهنی را کمک ظاهری فرشتگان به مؤمنین دانسته است. (همان: ۲۲)

از رسولان در جهان مادی، بلافاصله وارد بهشت در جهان دیگر - عالم برزخ - شد. به عبارتی عملکرد وی در جهان مادی دارای اثری در جهان غیب شد.
در گزارش دیگری از بدر آمده است:

و اگر بخواهیم آنان را غرق می‌کنیم، پس هیچ فریادرسی برایشان نیست و [نیز] آنان نجات داده نمی‌شوند مگر رحمتی از جانب ما و بهره‌ای [از دنیا]، تا مدتی [معین شامل حالشان شود].^۱

در این گزارش از تصرفاتی که خداوند از غیب در خواب و چشمان مسلمانان و کفار در جهان مشهود و مادی به عمل آورده سخن گفته شده است. تصرفاتی که در جبهه مؤمنان و کفار موجب ایجاد تمایل به نبرد شد. در این باره در بخش ارتباط عوالم (۳ - الف) توضیحات تکمیلی ذکر می‌شود.
در گزارشی صحنه پایانی رویارویی موسی علیه السلام و فرعون چنین تصویر می‌شود:

[همان] آتشی که بامدادان و عصرگاهان بر آن عرضه می‌شوند و روزی که ساعت [= رستاخیز] برپا شود [ندا آید که: «فرعونیان را در شدیدترین عذاب وارد کنید! و [یادکن] هنگامی را که در آتش [دوزخ] به بحث [و ستیز] می‌پردازند و کم‌توانان به کسانی که تکبر ورزیدند، می‌گویند: «در واقع، ما پیروان شما بودیم، پس آیا شما سهمی از آتش را از ما دفع می‌کنید؟!» کسانی که تکبر ورزیدند می‌گویند: «در حقیقت، ما همه در آن [آتش] هستیم، که به یقین، خدا بین بندگان [به عدالت] داوری کرده است.» و ...^۲

نظیر همین گزارش درباره روز پایانی غزوه بدر است که خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید:

و اگر [بر فرض] می‌دیدید هنگامی را که فرشتگان [جان] کسانی را که کفر ورزیدند، به طور کامل می‌گرفتند، درحالی که بر صورتشان و پشتشان می‌زدند و [می‌گفتند: عذاب سوزان را بچشید! این عذاب] به خاطر دستاوردهای پیشین شماست و اینکه خدا هرگز نسبت به بندگان بیدادگر نیست.^۳

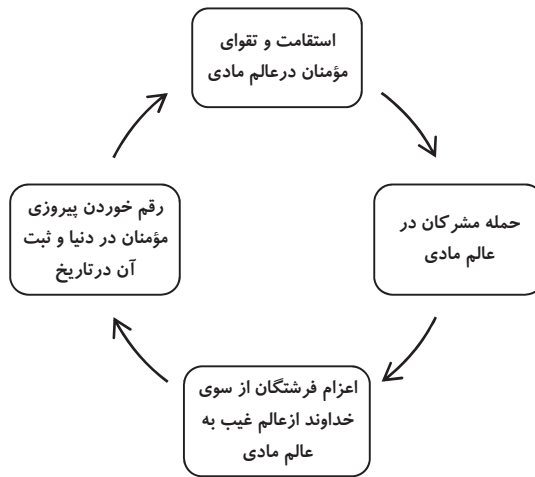
در هر دو گزارش، خداوند مخاطبان را به مشاهده عالم آخر دعوت می‌کند تا تأثیر اعمالی که کفار از روی اراده در عالم مادی مرتکب شدند را مشاهده نماید. به عبارتی اثر عملکرد انسان‌ها در عالم مادی در عالم غیب استمرار یافته است.
در گزارشی از غزوه احد ملاحظه می‌شود:

آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا [برای] شما کافی نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار [انفر] از فرشتگان فرود آمده، یاری تان کنند؟!» آری، اگر شکیبایی [و استقامت] کنید و [خودتان را] حفظ کنید، و [دشمنان] با همین سرعتشان به [سراغ] شما بیایند، پروردگارتان شما را با پنج هزار [انفر] از فرشتگان نشانه گذار مدد خواهد کرد.^۴

به عبارتی در صورت استقامت و تقوای مؤمنان در عالم دنیا از یک سو و حمله دشمنان و کفار از سوی دیگر، خداوند تعهد می‌کند از عالم ملکوت پنج هزار فرشته خود را برای یاری مؤمنان اعزام فرماید، نمودار ذیل نشان دهنده ارتباط رویدادها با یکدیگر در غزوه احد است:



۱. إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَتَابِكِ قَلِيلًا وَّلَوْ أَرَاكُمُ كَثِيرًا لَفِضَلْتُمْ وَّلَتَنَا زَعْمُ فِي الْأَمْرِ وَّلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ * وَ إِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيَقُولُ لَكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَّ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ. (انفال / ۴۴ - ۴۳)
 ۲. النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ * وَ إِذْ يَتَحَاوَرُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ. (غافر / ۴۸ - ۴۶)
 ۳. وَّلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَقَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةَ يَصْرَعُونَ وَّجُوهَهُمْ وَّأَبْأَرَهُمْ وَّذُوقُوا عَذَابَ الْخَرِيبِ * ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَّأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ. (انفال / ۵۱ - ۵۰)
 ۴. إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزِيلِينَ * بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. (آل عمران / ۱۲۵ - ۱۲۴)



در گزارشی دیگر از غزوه احد آمده است:

به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند، وحشت [و ترس] خواهیم افکند؛ به‌خاطر اینکه چیزی را با خدا شریک قرار داده‌اند که هیچ دلیلی بر آن فرو نفرستاده است و مقصدشان آتش است و جایگاه ستمکاران چه بد [جایگاهی] است.^۱

می‌توان فرایند تأثیر را به صورت ذیل نشان داد:



در داستان حضرت یوسف نمونه‌ای دیگر از این ارتباط به چشم می‌خورد آنجا که می‌فرماید:

[یوسف] گفت: «پروردگارا! زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه [زنان] مرا به‌سوی آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آن [زن] را از من بازگردانی، به‌سوی آنان متمایل می‌شوم و از نادانان خواهم بود.» و پروردگارش [دعای] او را پذیرفت و نیرنگ آن [زن] را از او بگردانید؛ [چرا] که در حقیقت، تنها او شنوا [و] داناست.^۲

نمونه‌های فراوانی از این دست که حاکی از ارتباط اعمال و رفتارهای ارادی انسان در عالم مادی با عالم غیب است در قرآن قابل مشاهده است. به عبارتی از منظر قرآن، انسان هر عملی که انجام می‌دهد خواه آن عمل حادثه‌ای تاریخی را رقم زند یا اعم از آن باشد، علاوه بر عالم مادی بر عالم غیب نیز تأثیر می‌گذارد، بگونه‌ای که تأثیر آن بر عالم غیب بعضاً مجدداً بر عالم مادی اثر گذارده و در آن منعکس می‌شود. بسان نوری که در داخل منشور از وجهی به وجه دیگر منعکس می‌گردد یا صدایی که در دره‌ای می‌پیچد و از صخره‌ای به دیگری برخورد و باز می‌گردد.

۱. سَلِّفِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّغْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ. (آل عمران / ۱۵۱)
 ۲. قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ * فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. (يوسف / ۳۴ - ۳۳)

با روشن شدن این مطلب می‌توان چنین تأکید کرد که از منظر قرآنی رخدادهای تاریخی، صرفاً بر حرکت تاریخ در عالم مادی مؤثر نیستند، بلکه گاهی این رخدادهای در عالم غیب نیز مؤثر می‌افتند؛ چنانکه در نمونه ۴ ملاحظه شد و دنیای برزخی کفار را رقم زد. از این رو وسعت جهان تاریخی که قرآن توصیف می‌کند فراتر از جهان مادی و فراتر از تأثیر عملکرد مادی بر دنیای مادی است.

وسعت جهان تاریخی در گزارش‌های نمونه

با عنایت به نمونه گزارش‌های تاریخی قرآن، می‌توان به تصویری از وسعت و اضلاع جهان تاریخی از منظر قرآن دست یافت: **جهان مادی:** هر عملی در عالم مادی تأثیر خود را می‌گذارد. در نمونه دوم، وقتی مردم اراده کردند مرد انطاکی طرفدار انبیا را به قتل برسانند چنین کردند و وی به قتل رسید این نتیجه طبیعی عمل آنها بود. تقریباً همه اعمال ارادی بشر در بستر تاریخ در عالم مادی تأثیرگذار است البته به شرط عدم مانع، مطابق با سنتی از سنتهای الهی مانند سنت امداد.^۱ **جهان غیب:** گفته شد در مقابل جهان مشهود و مادی قرار دارد و می‌تواند گستره‌ای با ابعاد ذیل باشد که به آن تعبیر از جهان یا عالم شده است:

جهان آخرت: در نمونه چهارم در کنار گزارش از عالم مادی که درباره فرعونیان از جایگاه آنان در عالم آخرت سخن گفته شد و در نمونه دیگر که همان صحنه پایانی غزوه بدر است گزارشی از عالم غیب و آخرت داده شد. گزارشی حاکی از آغاز عذاب فرعونیان و کفار بعد از مرگ و حتی همراه مرگ (انفال / ۵۰) بود؛ نظیر آن در گزارش دوم نیز دیده شد؛ آغاز زندگی در بهشت در پی شهادت در راه خدا که برای آن مرد انطاکی رخ داد. در منابع تاریخی از سخن گفتن رسول الله ﷺ با کشته شدگان در غزوه بدر که در چاهی ریخته شده بودند گزارش‌هایی ذکر شده است. (واقعی، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۱۲؛ ابن‌هشام، بی‌تا: ۲ / ۲۸۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۴۵۶) در آن گزارش آمده که در پی صحبت رسول الله ﷺ با مردگان، اصحاب گفتند: آیا مردگان سخن می‌گویند؟ پیامبر ﷺ فرمودند: آنها دانستند که آنچه پروردگارشان فرموده حق بوده است.

عالم ملکوت (فرشتگان و مجردات): در گزارش اول از حضور فرشتگان در غزوه بدر سخن رفته است. به عبارتی در کنار ارائه گزارش از عالم مادی از عالم ملکوت نیز گزارش شده است، فرشتگانی که از آن عالم به کمک مؤمنان آمدند. نظیر این گزارش، گزارش نمونه ۵ درباره غزوه احد است. در غزوات دیگر نیز خداوند از لشکریهای نادیدنی و یاری آنان سخن گفته است که پیش از این به آنها اشاره شد. مانند غزوه تبوک: (توبه / ۲۶)؛ در ماجرای غار: (توبه / ۴۰) در احزاب: (احزاب / ۹). گزارش حضور آنها از سوی رسول الله ﷺ (واقعی، ۱۴۱۴: ۱ / ۷۸ و ۱۱۳) و علی رضی الله عنه ضمن خطبه‌ای در مسجد کوفه (همان: ۱ / ۵۷) و دیگران در منابع تاریخی نقل شده است گزارش‌هایی از خبر رسانی و ارائه اطلاعات از سوی جبرئیل نیز در منابع آمده است (همان: ۱ / ۲۹۰) که همه حکایت از ارتباط عالم مادی با عالم ملکوت در یک جهان وسیع‌تر به نام جهان تاریخی دارد.

جهان امر یا سنت‌ها: در غزوه بدر مسلمانان در زمینی مستقر شدند که رملی بود و کفار در زمینی مناسب‌تر مستقر شدند، تعداد لشکر کفار بر مسلمانان برتری داشت و امور به صورت عادی آماده غلبه کفار بر مؤمنان بود و همین نیز ترس مؤمنان را برانگیخته بود که در جای خود بحث شده است. (دانش‌کجا، ۱۳۹۳: ۱۰۱ پاورقی ۳) اما اتفاقات دیگری رخ داده بود که سنت‌ها و قوانین عادی و طبیعی را بر هم می‌زد، دشمنی کفار با رسول الله ﷺ^۲ یا اخراج رسول الله ﷺ از سرزمین خود (درباره اخراج رسول و پیامدهای آن: دانش‌کجا، ۱۳۹۳: ۹۴) یا دعای مؤمنان و استعاثت آنان^۳ و عمل مؤمنانه رزمندگان قبل از نبرد و در مدینه ... عواملی بودند که هر یک می‌توانست نصرت الهی را بر انگیزاند و تدبیری غیر از سنت‌های معمول را مقرر سازد، ایجاد رعب در دل کفار، بارش باران و تطهیر قلوب مؤمنان و آرامش قلبی در پی بارش باران، آمدن فرشتگان الهی برای یاری و ... همه در عالم امر تدبیر شد و نتیجه جنگ را تغییر داد، همان‌طور که کم نشان داده شدن دشمن در

۱. کَلَّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا؛ هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم؛ و عطای

پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است. (اسراء (۱۷): ۲۰)

۲. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (انفال (۸): ۱۳)

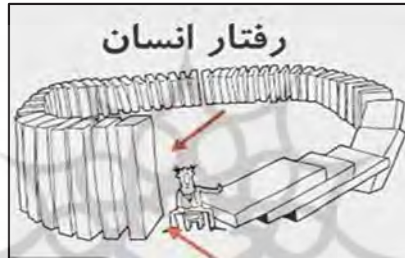
۳. إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدِّكُمْ بِالْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ. (انفال (۸): ۹)

چشم مؤمنان و کم نشان داده شدن کفار در چشم مؤمنان و در خواب پیامبر ﷺ، در ترغیب مؤمنان و کفار به جنگ مؤثر بود، همه این تصرفات در عالم امر یعنی همان عالم غیب تدارک شد. با روشن شدن این اضلاع ملاحظه می‌شود ابعاد جهان تاریخی از منظر قرآن بسیار وسیع‌تر از جهان تاریخی با نگرشی صرفاً مادی به جهان است و می‌توان ادعا کرد بدون داشتن وسعت دید این‌چنینی انسان قادر به شناخت حرکت‌های تاریخی و بستر تاریخی و عوامل محرک تاریخ به‌طور کامل نمی‌گردد.



روابط اعمال در جهان تاریخی

از توضیحاتی که تاکنون داده شد مشخص گردید، رخدادهای ناشی از اراده انسان‌ها در عالم مادی مانند یک دومینو عمل می‌کند که یک حرکت، حرکت‌های دیگری را موجب می‌شود:



روشن شد این حرکت‌های متأثر از هم، صرفاً جهان مادی را متأثر نمی‌کند، بلکه فراتر رفته، دیگر جهان را نیز که خود دارای اضلاع متعددی است را نیز متأثر می‌سازد. از طرفی دانسته است، در حرکت تاریخ فقط اراده انسانی دخیل نیست و اراده الهی و حتی عوامل دیگری هم می‌تواند عامل محرک تاریخ باشد، با عنایت به این نکات باید دید معادلات بین جهان تاریخی چگونه است و به عبارتی جهت حرکت و تأثیر اعمال بشری در این جهان از کدام سو به کدام سوست؟ با عنایت به توضیح اجمالی فوق مناسب است به بررسی گزارش‌های تاریخی که حکایتی از این روابط است پرداخته شود:

الف) روابط در جهان مادی

۱. درون جهان مادی

گفته شد که در عالم خلقت و جهان طبیعت سنت‌های الهی حاکم است. آتش باید بسوزاند، آب در درجه خاصی بجوشد و در دمای خاص دیگری منجمد شود؛ این یک قانون الهی است. خداوند این ویژگی‌ها را در نهاد مواد نهاده است، در عالم مادی بستر حوادث تاریخی نیز سنت‌هایی حاکم است، لشکر قدرتمند بر لشکر ضعیف غلبه می‌کند، هر ملتی که تن به ظلم دهد مورد استضعاف قرار می‌گیرد و ... به عبارتی، گویا مانند قوانین حاکم بر جهان طبیعی در نهاد اعمال ویژگی‌هایی نهاده شده هرچند پیچیده‌تر به‌طوری که عمل انسان در همین عالم مادی نتیجه‌ای به دنبال دارد. آیات متعددی بر تأثیر اعمال انسانی در جهان مادی دلالت دارد، آشناترین آنها را می‌توان آیه ذیل دانست:

... در حقیقت، خدا آن [سرنوشتی] که در قومی است را تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنچه را در خودشان است، تغییر دهند و هنگامی که خدا برای قومی [به‌خاطر اعمالشان]، بدی بخواهد، پس هیچ بازگشتی برای آن نخواهد بود و جز او، هیچ سرپرستی برای آنان نخواهد بود.^۱

این آیه و نظایر آن بر بازتاب عمل انسانی در جهان مادی دلالت دارد. هر نوع تغییری در آینده بشری منوط به تکان دادن موج تاریخ از سوی انسان در عالم مادی است تا وی موجی در جهان مادی ایجاد نکند در جهان تاریخی تغییری رخ نمی‌دهد. پیام همین آیه و نظایر آن است که کاوشگر مسلمان را به دنبال یافتن دلایل حوادث تاریخی و رویدادها در همین عالم مشهود می‌کشد.

۲. از عالم مادی به عالم غیب و بازگشت آن به عالم مادی

گفته شد برخی اعمال انسان‌ها در بستر عالم مادی تأثیر طبیعی خود را می‌گذارد ولی برخی دیگر از اعمال به‌خاطر داشتن شرایط دیگری تأثیر طبیعی و عادی خود را ندارد. همان‌طور که در جریان انداخته شدن حضرت ابراهیم در آتش، آتش خاصیت سوزندگی خود را برای ابراهیم نداشت «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (انبیاء / ۶۹) همین‌طور در برخی دیگر از حوادث رخ داده در عالم مادی، متأثر از عامل بیرونی تأثیر دیگری می‌گذارد. در این نوع از رویدادهای تاریخی، میدان تأثیر از عالم مادی فراتر رفته و عالم غیب را درگیر می‌کند. جهان تاریخی در این رویداد منحصر در عالم مادی نیست و به‌خاطر جنس عمل انسانی برانگیختگی را در عالم غیب موجب می‌شود و بازتاب آن مجدداً در عالم مادی رخ نشان می‌دهد (نمونه ۱، ۳، ۵ و ۶) اما به‌واسطه عامل دیگری از عالم غیب.

وقتی دو لشکر یکی قوی و دیگری ضعیف در مقابل هم صف می‌بندند نتیجه طبیعی آن پیروزی لشکر قوی است، اما طبق آموزه‌های قرآنی اگر اعمال لشکر ضعیف در راه خدا باشد یاری خداوند را به دنبال دارد و در این صورت اراده الهی از عالم غیب بر ادامه نبرد تأثیر می‌گذارد و لشکری کم بر لشکر زیاد غلبه می‌کند؛ چنانچه در روایوی طالوت و جالوت به چنین مطلبی اشاره شده است: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَرًّا مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً عَلَبْتَ فِتْنَةً كَثِيرَةً يَا ذِئْبُ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره / ۲۴۹) یا لشکر ضعیف بر قوی غلبه می‌کند «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّفَقُوا لِلَّهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». (آل عمران / ۱۲۳) در تاریخ بشری نمونه‌های متعددی از شکست‌ها و پیروزی‌های غیرقابل پیش‌بینی رخ داده که مورخ مادی مسلک مجبور شده آنها را بر تصادف و شانس حمل کند، غافل از اینکه فعل انسانی در عالم غیب تأثیر گذاشته و نتیجه طبیعی عمل را تغییر داده است.

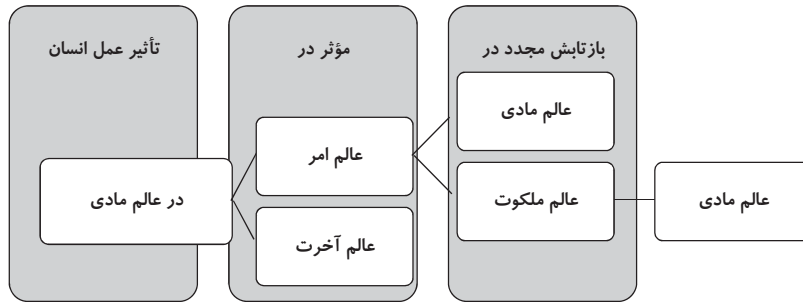
روایاتی بر این مضمون دلالت دارند که وقتی خداوند بخواهد امری خارج از اراده بشری رخ دهد، در اذهان آنان تصرف می‌کند؛ ازجمله: «قال ﷻ إذا أراد الله تعالیٰ إيفاد قضاءه و قدرة سلب ذوي العقول عقولهم حتى ينفذ فيهم قضاؤه و قدرة إيفاد قضي أمره رد إليهم عقولهم و وقعت الندمة» (پابنده، نهج الفصاحة، ص ۱۸۶)؛ «وَقَالَ ﷻ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا سَلَبَ الْعِبَادَ عُقُولَهُمْ فَأَنْفَذَ أَمْرَهُ وَ تَمَّتْ إِزَادَتُهُ فَإِذَا أَنْفَذَ أَمْرَهُ رَدَّ إِلَيَّ كُلَّ ذِي عَقْلٍ عَقْلَهُ فَيَقُولُ كَيْفَ ذَا وَمِنْ أَيْنَ ذَا». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۴۲) از گزارش‌های قرآنی فهمیده می‌شود که این تصرفات منحصر در اذهان نیست و به تصرف در طبیعت هم منجر می‌شود. در نتیجه در این موارد وسعت جهان تاریخی از عالم مادی فراتر می‌رود و عالم غیب را درگیر می‌سازد.

۳. عالم مادی به عالم غیب (ضلع آخرتی)

تأثیر دیگر عمل انسانی در عالم غیب در ضلع عالم آخرتی آن است که منجر به ساخته شدن آن بخش می‌شود (نمونه ۲ و ۴) در جای خود گفته شده است که انسان از منظر قرآن هرچند ازلی نیست اما ابدی است. از این‌رو در آیات متعدد و به اشکال مختلف این پیام به گوش انسان رسانده می‌شود که با مرگ همه چیز به پایان نمی‌رسد، بلکه آغازی دیگر است. در گزارش‌های درگیری فرعونیان و غزوه بدر ملاحظه شد که قرآن در توصیف پایان صحنه نبرد به توصیف وضعیت کفار در

۱. ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ. (رعد (۱۳): ۱۱)
 ۲. لشکر مقابل آن: «وَإِذْ يُبَدِّكُمُ اللَّهُ إِخْدَىٰ الطَّائِفَتَيْنِ أَنهَذَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنْ غَيَّرَ دَاتِ الشُّوَكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» (انفال (۸): ۷) یعنی لشکر مقابل بدریون دارای قدرت و شوکت بود.

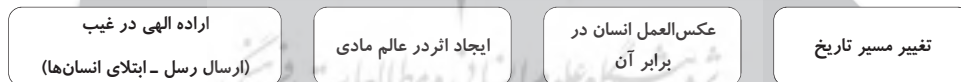
جهان پس از مرگ پرداخت.^۱ به عبارتی مرگ آغاز عذاب انان در نشئه دیگر است. قرآن در صدد است به انسان این مطلب را انتقال دهد که هر عملی را که در بستر تاریخی در عالم محدود به زمان و مکان انجام می‌دهد - عالم مادی - تأثیرش به عالم غیب و جهان آخرت کشانده می‌شود و آن را سامان می‌دهد. به عبارتی عمل انسان در جهان مادی بازتابی به جهان آخرت دارد. انسان گاهی برای خود بهشتی به وسعت آسمان و زمین می‌سازد و گاهی جهنم را «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران / ۱۳۳) و نظیر آن. (حدید / ۲۱)



ب) رابطه جهان غیب با جهان مادی

عوامل محرک تاریخ از منظر قرآن شامل عواملی خارج از جهان مادی و متعلق به جهان غیب هم می‌باشند مانند خداوند و در جای خود از نقش‌های سه گانه خداوند در تاریخ سخن گفته شده است (دانش کیا، ۱۳۹۶: ۹۴ - ۶۵)، بدیهی است به‌خاطر نقش استقلالی خداوند در تاریخ، برخی رویدادهای مؤثر بر حرکت تاریخ و مسیر تاریخ از عالم غیب کلید می‌خورد و مسبوق به اراده انسانی نیست، ولی عالم مادی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و مسیر تاریخ را عوض می‌کند. یعنی اراده الهی رخدادی را رقم می‌زند که در سرنوشت انسان‌ها مؤثر است و عکس‌العمل‌های انسانی در مقابل آن رخداد رویدادهای متعددی را پدیدار می‌سازد. در این‌گونه از رخدادهای، جهت رخداد از عالم غیب به عالم مادی است.

سنت‌هایی مانند ارسال رسل یا ابتلا که براساس اراده الهی از عالم غیب رقم می‌خورد و منجر به برانگیختن رسولی در عالم مادی می‌شود از این دست است. برای تحقق هر ابتلائی نیازمند تصرفاتی در جهان طبیعت و جهان انسانی است «وَلَتَبْلُوَنَّهُمْ مِّنْ خَوْفٍ وَجُوعٍ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَنَبِّئِ الصَّابِرِينَ» (بقره / ۱۵۵) برای هر آزمایشی موادی لازم است آزمایش ترس و گرسنگی و مرگ و میر و ... هر یک بدون دلیل مادی در این جهان رخ نمی‌دهد. از این رو نیازمند تصرفاتی از سوی خداوند در عالم مادی است همانطور که برای بدنیا آمدن پیامبری و حفظ او تا روز رسالت، هزاران کار باید صورت گیرد مانند زندگی حضرت عیسی^۲ و موسی^۳ و سایر انبیاء^۴ که بعضاً با مخاطراتی روبرو بوده و نیازمند حفظ سلامتی آنان تا روز بعثت را ضروری می‌نمود. جهت این نوع از اعمال و تحرکات و آغاز آنها از سوی عالم غیب به عالم مادی است، نه از عالم مادی به عالم غیب.



۱. «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر (۴۰): ۴۶)؛ «لَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ». (انفال / ۵۰)
۲. فَأَعَدَّتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا. (مریم (۱۹): ۱۷)
۳. أَنْ أَقْدِفِيهِ فِي النَّبُوتِ فَأَقْدِفِيهِ فِي الْمَيِّمِ فَلْيَلْقِهِ الْمَيِّمُ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عُدُوِّي وَعُدُوُّ لَهُ وَالْقَيْثُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِنِّي وَلِيُصْنَعَ عَلَيَّ عِثِي. (طه / ۳۹)
۴. مانند به دنیا آمدن حضرت یحیی یا باردار شدن همسر حضرت ابراهیم و ...

تأثیر وسعت و ضیق جهان تاریخی در مطالعات تاریخی و زندگی بشری

در پایان این بحث ذکر این نکته ضروری است که بحث از وسعت جهان تاریخی همان طور که در ابتدای نوشتار اشاره شد بحثی کاملاً کاربردی در زندگی بشر و خصوصاً در دانش تاریخ است. انسان معتقد به وسعت جهان تاریخی می‌داند بازتاب هر رویدادی فراتر از عالم مادی است و به عالم غیب نفوذ خواهد کرد، نیز می‌داند صرفاً او کنش‌گر تاریخ نیست بلکه خدایی حکیم و عزیز و مدبر نیز در تاریخ نقش دارد. از این رو در عملکرد خود دقت بیشتری را به خرج خواهد داد. یک مورخ نیز در ارزیابی و تحلیل خود از رویدادهای تاریخی صرفاً به بازتاب آن در عالم دنیا معطوف نخواهد ماند و انعکاس آن را در عالم امر و عوالم دیگر و در معنای اعم در عالم غیب و مادی پی خواهد گرفت. از این رو تحلیل وی دقیق‌تر از تحلیل مورخی است که جهان تاریخی‌اش محصور در عالم ماده است. تأثیر دیگر نگرش یاد شده را این گونه می‌توان ذکر کرد که از آنجا که «جهان غیب بر عالم احاطه دارد؛ به هر میزان که به لحاظ علمی به عالم غیب نزدیک شویم، علم و آگاهی‌مان بر عالم شهود افزون‌تر خواهد شد. به این طریق می‌توانیم از گذشته درس بگیریم و نسبت به اطراف بصیرت به دست خواهیم آورد و نوری را کسب خواهیم کرد که همه جا را برای ما روشن خواهد کرد». (مدرسی، ۱۳۹۷: ۲۲ / ۳۹)

نتیجه

بستر رویدادهای تاریخی و بستر آثار و پیامدهای آنان مجموعاً جهان تاریخی را رقم می‌زند. این پژوهش با رویکرد الهیاتی به تاریخ که قرآن سردمدار آن است، به دنبال دستیابی به وسعت و اضلاع این جهان بود. گفته شد تعیین مرزها و وسعت جهان تاریخی با نگرش انسان‌ها ملازم است. انسانی که جهان را فقط عالم مادی و قائم به اراده انسانی تصور کند نمی‌تواند جهان تاریخی وسیع‌تر از عالم مادی داشته باشد و بالعکس اگر جهان او اعم از عالم مادی و غیب و برای اراده الهی هم نقش قائل باشد، می‌تواند از وسعت جهان تاریخی فراتر از عالم مادی سخن گوید. مشخص شد جهان تاریخی از منظر قرآن وسعتی به اندازه عالم مادی و عالم غیب دارد و عالم غیب خود دارای اضلاع یا ابعادی است که می‌توان آنها را عالم آخرت، عالم ملکوت و عالم امر نامید. مقصود از عالم امر در این نوشتار عالم تدبیر و با تسامح اثنای فرمان هستی واقع در عالم غیب معرفی شد. با عنایت به محرک‌های تاریخ از منظر قرآن، سوگیری و جهت حرکت بازتاب اعمال پی گرفته شد مشخص شد بازتاب برخی از اعمال ارادی انسان در عالم مادی علاوه بر تأثیر در همین عالم، در عالم آخرت رخ نشان می‌دهد و برخی در عالم غیب و عالم سنت‌ها، اما حرکت آنها در عالم غیب تمام نمی‌شود و با اراده الهی در عالم مادی مجدداً اثر می‌کند و رویدادی دیگر را رقم می‌زند. رویداد اخیر با اراده الهی و با تصرف در اراده انسان یا در طبیعت رخ می‌دهد. اما برخی از رویدادها از ابتدا صرفاً با اراده الهی در عالم غیب تدبیر و در عالم مادی تحقق می‌یابند مانند ارسال رسولان یا آنچه به سنت ابتلا انسان‌ها مربوط است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم، جامعه مدرسین، ج ۲.
۳. ابن هشام حمیری معافری، عبدالملک، بی تا، *السیره النبویه*، ج ۲، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت، دار المعرفة.
۴. امین، سیده نصرت، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۵. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، دانش، ج ۴، ۱۳۸۲.
۶. جوادی آملی، عبدالله، بی تا، *تفسیر سوره مبارکه بقره* جلسه ۶، سایت بنیاد بین المللی علوم و حیاتی، نسخه قدیمی.
۷. دانش کیا، محمدحسین، ۱۳۹۳، *نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن*، قم، نشر معارف.
۸. دانش کیا، محمدحسین، پاییز ۱۳۹۶، «نقش خدا در تاریخ»، *قیاسات*، شماره ۸۵، قم - تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۹۴ - ۶۵.

۹. دانش کیا، محمدحسین، زمستان ۱۳۹۶، «قرآن سنجه گزارش های تاریخی زندگی پیامبر اعظم ﷺ»، پژوهش های قرآنی، شماره ۸۵، خراسان رضوی، پژوهشکده اسلام تمدنی، ص ۱۲۵ - ۱۰۸.
۱۰. دیلتای، ویلهم، ۱۳۸۹، *تشکل جهان تاریخی در علوم انسانی*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران، ققنوس.
۱۱. دیلتای، ویلهم، ۱۳۹۱، *دانش هرمنوتیک و تاریخ*، ترجمه منوچهر صانعی، تهران، ققنوس.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ / ۱۹۶۷ م، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۲، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية.
۱۴. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر.
۱۵. کنفورت، موريس، بی تا، *ماتریالیسم دیالکتیک*، بی جا، انتشارات ناوک.
۱۶. مدرسی، سید محمدتقی، ۱۳۹۷، *تفسیر سوره حشر*، ۳۱ شهریور ۲۲:۳۹، <http://fa.abna.cc/6Wwr>
۱۷. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم، ۱۳۷۸، *سه رسائل فلسفی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۱۴ ق، *المغازی*، ج ۱، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی